



اسلام آئین محبت



امروز پیشرفتهای چشمگیری در زمینه علوم و صنایع ، نصیب بشریت گردیده است و از این رهگذر قسمتی از قوای طبیعی از اعماق اقیانوسها گرفته تا کرات آسمانی ، به تسخیر بشر درآمده است .

ولی این پیشرفتهای مادی بتنهائی قادر به تأمین سعادت انسان نیست ، تا وقتی که علوم مادی دوشادوش نیروی معنوی و فضائل اخلاقی در جامعه ای به پیش نرود ، چنین جامعه ای نه تنها جامعه پیشرفته و تکامل یافته نخواهد بود ، بلکه هر لحظه ، به انحطاط و سقوط نزدیکتر خواهد شد بگواه اینکه می بینیم از وسایلی که باید از آنها برای رفاه و آسایش و سعادت جامعه استفاده شود ، در راه نابودی انسانها بکار می افتند !

آمار و ارقام جنایات هر روز روبه فزونی است ، هر لحظه آتش خانمانسوز جنگ ، شعله و رتر میشود و دول بزرگ کشورهای کوچک را در حلقوم استعماری خود فرو می برند ! مادیگری به اندازه ای بر انسانها سایه شوم خود را گسترده که حتی عواطف پاک انسانی نیز از میان رفته و یاد در حال خاموشی است !

محبت و دیگر دوستی که از عواطف عالی بشری بشمار میرود از قاموس زندگی مردم برداشته میشود! و در نتیجه نگرانی و اضطراب ، هر روز بیشتر میگردد .

هنگامیکه به وضع زندگی مردم مخصوصا بجهان غرب می نگریم می بینیم محبتی وجود ندارد و یا اگر یافت شود معمولا از نوع محبتهای متقابل ، و یا از حب ذات و سود جوئی و خود خواهی سرچشمه گرفته است و غالبا از مرز قوم و خویش و قبیله و کشور خارج نمی شود ، و اگر به ملتی یافردی اظهار دوستی و محبت کنند باین منظور است که بهتر او را تحت استعمار خویش در آورند و از مزایای مادی و ذخائر طبیعی آنان بهره برداری نمایند .

بر اثر توجهی به معنویات و فضایل اخلاقی، نه تنها مهر و محبت به انسانها به ضعف گراییده است بلکه سایر عواطف و پرشورترین علاقه‌های انسانی نیز تحت تاثیر مادیگری قرار گرفته است!

مهر مادر؛ که مظهر کامل محبت، و عالیترین نمونه انسان دوستی است، و دامنه آن تا جهان حیوانات و بهائم نیز گسترش یافته است چنان دستخوش تمایلات غیر انسانی قرار گرفته که بزرگترین فاجعه عاطفی رایج آورده است تا آنجا که در مطبوعات می‌خوانیم که: «زن ۲۲ ساله‌ای در ایتالیا، دو فرزند چهار ساله و یک ساله خود را با بنزین آتش زد و نابود ساخت! شوهر او بعلت نرسیدن به ساعت حرکت قطار، دیر به منزل رفت، و این زن بخیال اینکه شوهرش معشوقه دیگری دارد، خواست یا کشتن فرزندان وی آزاو، انتقام بگیرد» (۱)

پیدا است که اگر اخلاق و عواطف از زندگی انسان رخت بر بندد، دد، و درنده خوئی، خواهد بود که بصورت انسان مصور است؛ و اخلاق و عواطف هم اگر پشتوانه و ضامن اجرائی نداشته باشد، و بایک نیروی الهی و معنوی رهبری نگردد، با عوامل مختلف تغییر کرده جای خود را به ذائل و پستیها خواهد داد!

* * *

علیرغم این زندگی ماشینی، اسلام که آئین زندگی، و جهانی وابدی است؛ و قوانین آن ضامن سعادت دنیا و آخرت انسان می‌باشد، هم قوانین و بر نامه‌های خود را بر مبنای توحید و ایمان بخدای جهان استوار ساخته و از این راه عالیترین فضایل و کمالات انسانی را بارور نموده است.

محبت که یکی از ارزنده‌ترین صفات بشری است؛، از ارکان و شرایط اساسی ایمان شمرده شده است.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: بخداوندی که جان من در اختیار او است سوگند، که هرگز وارد بهشت نمی‌شوید مگر اینکه ایمان بیاورید و در صورتی مؤمن واقعی هستید که یکدیگر را دوست بدارید و به همدیگر محبت ورزید (۲)

اسلام؛ با آوای دلنشین: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...** (مسلمانان برادر یکدیگرند) پیوند اخوت و برادری که بر اساس الفت و محبت است، در میان مسلمانان برقرار کرد و بادستورها و روش‌های گوناگون مسلمانان را باین امر تشویق نمود.

۱ - کیهان ۴۹، ۱۲، ۱۰

۲ - وسائل ج ۳ آداب العشره .

پیامبر اسلام (ص) فرمود: که: مسلمانانی که به برادر مسلمان خود بیشتر مهر بورزد در پیشگاه الهی محبوبتر است» (۱)

تا آنجا که برای مهرورزی به دیگران بالاترین مقام راقائل شده و دوستی با بندگان را دوستی با خدا دانسته است.

پیامبر اسلام (ص) فرموده: «که: خدای بزرگ می فرماید: «آنکس سزاوار دوستی بامن است که بخاطر من، به زیارت و ملاقات بندگان من برود، سزاوار دوستی بامن است، آنکه برای من، بهمنوعان خود یاری کند، شایسته دوستی بامن است، آنکسیکه برای رضایت من، دیگران را دوست بدارد؛ بازلیاقت دوستی مراد دارد آنکه در راه من؛ و برای من، به بندگان من؛ بذل و بخشش کند». (۲)

بشر دوستی

همچنانکه قوانین سعادت بخش اسلام، جهانی و همگانی است؛ پرتو انوار محبتش نیز بنام جهان گسترده و بشر دوستی را شمار خویش قرار داده است.

امیر مؤمنان علی (ع) در عهدنامه معروف خود که برای مالک اشتر - فرمانروای مصر - صادر فرمود چنین نوشت:

«... ای مالک! با رعیت مهربان باش و آنانرا با چشمی پراز عطف و مهر، و سینه‌ای لبریز از محبت بنگر، مبادا که در لباس شبانی گرگی خونخوار باشی و در لابلای پنجه‌های لطیف چنگالهای دلخراش و جانفرسا، پنهان داشته باشی» «مالک! تو فرمان فرمائی و فرمانبران تو از دو صنف بیرون نیستند، یا مسلمان هستند، و برادران دینی تو، و یا انسانهایی هممنوع تو هستند» (۳)

موضوع محبت در اسلام بقدری ارزش و اهمیت دارد، تا آنجا که دین را چیزی جز محبت نمی داند، چنانکه امام پنجم - امام باقر (ع) - فرمود: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟» «دین چیزی جز محبت نیست» (۴)

مطالعه تاریخ زندگی پیشوایان اسلام، انسان را باین واقعیت رهبری می کند که تا چه اندازه آئین محبت از گفتار و کردار آنان مشاهده می شده و بجهانیان درس محبت داده اند، اگر مسلمانان به پیشوایان دینی خود تأسی می نمودند و از نیروی محبت در مسائل اجتماعی و سیاسی،

۱ - محجة البيضاء آداب المحبة والمعاشرة ص ۱۵۴

۲ - محجة البيضاء باب آداب المحبة والمعاشرة ص ۱۵۴.

۳ - نهج البلاغه فرمان مبارك علی (ع)

۴ - تفسیر سوره حجرات نقل از تفسیر برهان.

بهره برداری میکردند بزرگترین عامل پیشرفت و ترقی نصیب آنان میگشت . پیامبر عظیم الشان اسلام با عامل محبت توانست آنهمه نفوس را مجذوب خویش سازد و در مدت کوتاهی دل‌های مردم را متوجه خویش گرداند و آنقدر احترام کسب کند که در جهان نظیری برای آن پیدا نشود .

اودارای روحی بزرگ و قلبی آنچنان حساس و مهربان بود که شعاع محبت خویش را تا آخرین مرز خلقت گسترش میداد ، تأثر هر يك از موجودات این جهان قلب مهربان و روح لطیفش را آزوده و ملول میساخت ، احساس گرمی نفس گوسفندی که هسته‌های خرما را بالاب‌های خود از دست او بر میداشت ، موجی از نشاط و سرور در دل او ایجاد میکرد ، و مشاهدۀ جوجه‌های پرندۀ ای وحشی ، که از آشیان متواری ، و از حمایت و سرپرستی مادر ، محروم شده بودند ؛ اشک تأثر و تأسف از دیدگان پر فروغ و ملکوتیش روان میساخت ، و چون درخت خرمائی را تشنه و افسرده در برابر خود می‌دید ؛ تشنگی آنرا در جگر گاه خود احساس می‌کرد و با بیانی نافذ و منطقی عاطفی و پرمهر ؛ درباره آن درخت سفارش میکرد ، زیرا او پیامبر رحمت برای تمام جهانیان بود .

مهر و لطفش بقبیله‌ای از قبایل و یا ملتی از ملل اختصاص نداشت ، و حتی دشمنان خونخواره‌ای که بقصد جان آن سرور شمشیر میکشیدند و از آزار و اذیتش کوتاهی نمی‌کردند ، از این محبت ، بی‌بهره نمی‌ماندند !

اثر طبع حسین سید تقوی

عجب خود سرانه ایم

دامن کشان بمقصد پیری روانه ایم

هر دم خدنگ و تیر بلا را نشانه ایم

جای بسی فسوس که در وادی گناه

در خواب غفلتیم و پشیمان ، چرانه ایم

طبل رحیل کوفت دلا کاروان عمر

ما همچنان بفکر خور و خواب و خانه ایم

امروز زنده ایم در این جمع لاجرم

فردا به پیش پیر و جوان چون فسانه ایم

پائی دراز جمله بسوی هوای نفس

از زهد ، دست کوتاه عجب ، خود سرانه ایم

مسحور لطف و رحمت یزدان امیدماست

ورنه به قهر و آتش حق جاودانه ایم

